



# مجلس

بسیله شبانا اطیبان دادو هرچند نشود

داد اطاعت کردیم

در چند ماه قبل که این قضایی از

دور شدی از سرمه بکسر میز بیفت

در برابر مجلس که کامپینوز نام دارد با

نایمه ای مواجه گردید

هرار هازن و بچ و گوار و گوست

ای طایله تیره بخت آج توب و نفک

و مسلهای پادگان محل معلم واقع شد و

و اغام آنها شارت و قدمدان ایل که

یک افسوس نیست که کنون کنید

(نیویت - اجازه بجهد صحت حکم)

از طیت است در قرون و اصل

گذشت روی یا به مبارزات اتفاقی

یک افسوس نیست که کنون کنید

دیس مجلس باید جلوگیری کند) و با

اخد در جهای پیشتری در این اعمال

مشیر خود را تیر کرده بام خط ملکت

حکم اعدام ایلات را صادر میکند با از

طرف ساد در منزل من بنیان آمدند

گداوند (فرید و همه و کان زنک مند

ریس) چندی از وکلا مکرمینویم

عرفهای بوج این آقا گوش بدهم)

(آقای هزار - سک شا و کل

ناصر تقاضا میکند اگر و کل او هنید

توانسته دفاع کنید بلکه بیشتر کرده

شما که که شایانی کوهای اطراف

شیراز را گرفته بودند و خجال حله شمر

را داشته و من نکاشتم هنین یان شا

دلیل بر این است که دست پادشاهی خلف

امنت ملکت زده شده است چطور خود

کردار آقای سرهنگ برگز که رسیده

مال گردید که خارس پرسروما از نیست و فیز

وقت آقای قوام بر سیم دولت از ایل

نقاشی به میوراه کفتند و چیز اول

آنکه اسلمه که گرفته اند متند دارند

دوم آنکه آقای بعد ناصر تقاضا نیز از

پایاند با آنکه دولت حق خواهش دهند

داشت جوابا گفتند پس از اینکه شنای

مرا پیداید آنی تھست و بزیرهم قبول کردند

و قی شیراز از اطراف ایل تقاضای

زیرا شہرت یار گرفته بودند و خجال حله شمر

را داشته و من نکاشتم هنین یان شا

دلیل بر این است که دست پادشاهی خلف

امنت ملکت زده شده است چطور خود

حق میکند که این فکر عمل دفع

کنید و شام مقدمات کشور اهانت و اراد

آورید شادر پشت تریبون باشخاص فضی

بدیده و اهانت کرد

بروید رهای بیدست را بیدست دارند

در از طیل همین دست دسته

دو کار خانهای اهواز و خرم شهر

برویده و خرم آباد از گرستکی جلوی

دهند راضی شدند که آنها را

خود بلوطم داشته باشد. دریز روز

لر بود امروز توپ هشتمانی رسیده است

من با این مقدمه یان آقابان اخطر

میکنم که آنها را

در از طیل همین دست دسته

زیرا شیراز از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

را که فرماده لشکر مین کرد بودند

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه دولت حق خواهش دهند

کردند آن ها را غصه ناصار تقاضا

پس از خانهای اهواز و خرم شهر

برادر که دست پادشاهی خلف

خواهش داشتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و دستی از اسلمه مظوره را

گرفتند از اینکه شنای

سرهنه خسرو داده ایل پس از

ایل برد و د

## آگهی مناقصه شماره ۱۳۰

بنگاه کل فنی و ساختمان کشور واقع در خیابان شاهپور  
کوچه امیری شماره ۵۶ تهران را به میزبانی میگذارد.  
از خاصی که مایل بشرکت در مناقصه باشند میتواند از تاریخ ۱۴۲۱ و ۲۱۲۰  
مدارک و استاد مریبواه را از بنگاه کل فنی و ساختمان کشور  
(دفتر قراردادها) در مقابل پرداخت ۱۲۰ دیال (یکصد و بیست)  
دویافت دارند.

یشنهادها باید متنها تاریخ ۲۶ آسفند ماه ۱۳۲۱ ساعت ۱۰  
بعدتر بنگاه هریبور تسلیم شوند. در وز ساعت مذکور یشنهاد  
ها باز و خوانده خواهد شد. ۲ - ۲  
بنگاه فنی و ساختمان کشور ش - ۱۲۱

## آگهی مناقصه

بنگاه پاسخور خرید علیق و علوه مورد نیاز بنگاه کل فنی و ساختمان  
مذکور شود که متواند با مرآجه بسازی این بنگاه پاسخور و دریافت مبالغ  
مقدار علوه و علیق مورد نیاز و شرط اتفاقی و بر داشت مبلغ پارچه هزار و بیان  
سیاه میزده بصنوف بنگاه با سور پیشنهاد های خود را تقطیع و نا آخوند  
اداری روز چهار شنبه بیست و ششم امسان ماه ۲۱ بعدتر بنگاه پاسخور مذکور میزد  
دویافت شاید. ۱ - ۱۲۷ رئیس حسابداری بنگاه پاسخور

## کتاب رموز ملل

تالیف اوز سو - ترجمه آقای سليمان محسن طاسکندری  
را از تقریز روزنامه دیر و کتابخانه های این سیا - طوران پیش  
دیال خردباری و مطالعه نماید. ۱۰

« چیز فانون مذهبی - مدنی - یا سیاسی بسته مکفر  
آنکه نیاکان مبارقار جانها و روحانی خونهای خود طی فرمان  
متوایه بعدم اقلاب تحصیل گردد » ۱۱

۵ - ۲

## چاپخانه فرنگ

## ستخنان علی

## از فرج البلاوه

ترجمه شوراکنگر ستخنان آسیانی  
برگزینی شیوه ایان دیباکه بخوانند  
آسیان دور روزنامه بیره دستبر  
صورت کنی چاداگاه در دسترس دیا  
فرار اراده »

برای خوبی بکنارویش این سیاست  
دفتر روزنامه در خیابان لاله امیر احمدی  
بهای پایه خود را که در دسترس دیا

۱۰ - ۱۱ زبان است  
میزد باید از گردد زارع بز داشته شود  
و از بیرون شواند که میزد از دیا

۱۱ - بار و غرضی که سال سال  
کم زارع داشت و میزد در دشت  
حیات دهانی و گوگان مالکه فرار

بندگی رهانی باید

آمد بادر دختر گفت:

» من شیل دارم و کاری بیا بکم »

» چه کاره میشی؟ »

» چیزی ادو تا بارو دارم - هر کاری که شای بکن

» چیزی ادو تا بارو دارم - هر کاری که شای بکن »

احمد نکری کرده گفت: « تو شیر بدم شاگرد عظیز و دو اما

رویش نکنم »

مادر دختر هریوب داد: « پس تو افسوس سر گذرمون دیباکه شاگرد

بیکشت اکن میخواهم برو پیش کار کن »

احمد کفت: « ایلیه چه ازین بیرون »

مادر دختر گفت: « حالا که تو جوون شیل نیسی و تیکار میدی ازین بید

اکن میخواهم یا میخواهم بازمانه کن بکن »

احمد روزه هیزفت پیش داد خوش کار میگرد و شایا یهانه هنری هنری

بر میکشت کم کم با سواد شد و کار مشتریان دوا فروش را راه

میانه اشت و کارش هم بیشتر و سخن پیشگیری و تجارت راهی باد گرفت

چون پدرش بیش نهیت کرد بود که شایا کارو کاسی هم بله بشد و بد سر

برگزی داد و دختر هنری داده بیشگزش و بکار گذاشت و خوش باز و دهانی

که شایا با آنها شده بود میگرد. اما شایا دفعه ای دختر هنری که داشت این بود

که نیمه است چه سر پدر و برادرهاش آمده و میگشت که شایا هنری داده بود از هر مسافر

خارجی که وارد کشور هست بیشتر بیشتر همیزی هایی برای خود داشت از پدر

و برادر هایش با خبر شد: اما همیزی هایش بیشتر تا اینکه بکارزی داشت

یک از مشتریهای کشور دوا فروش که از کشور زاده شده بود که روزی

زیر یا کنی کرد. کوره بلو گفت:

## اتحادیه کشاورزان ایران

## تشکیلات ایالتی آذربایجان

» طبق اطلاع حاصل، اینرا انتداب کشاورزان ایران تشکیل شد

و اینکه مردم اهداف آن اتحادیه معرفت از این اتفاق نداشت که میگذرد «

## مقدمه

یست میل سلطنت شناختاران مترمع

تیز داری راستایات عالی از هرست تاراج

دکتر - دوا - کتاب و معلم مرتمع گردید.

» ایالتی های دعایتی آنکه تأثیر ساخت

دستیع دعایتی از هر دو از داشت

تیرگی زندگان او متفق شد از دست

رقت و ملک و پیش و کشخا و امنی و

نایبر و صول مالات و بالآخر هر کار و

تر بر سر چون دعایتی رسید آتش طیع

بر آفریخت و خرم هست و پیرا سوخت

اینکه دغناک ایران و اماده ترین زارهین

است که تبا از اتصیل و سایل زهات

امروز از تبدیل کار و آهن شرکت متروم

است بلکه ادامه میخایش شین پیش خط گارو

ایزاره لامنی ۲۰ سالیش تیری ای اولیر متفو

شده و در چند دهه متأخرین بجهاد و پیش

شام غافلی اکبریت بروز لامن ای ای ای

تکن اسیهای غوی تشكیل و کشت هر کوی

را ایچل خواهند شود.

کنگره میمده بیرون همیزی های ترین از کان اتصایه

مای زارهین است.

۳ - تمدعا اعضا که های بست

بیشتر کشاورزی های است که بیرون اند از

۴ - تا هر و نیا پیش اتفاق نهاده.

۵ - هر چند میمده بیرون همیزی های زارهین

استادان شود پیش از خانه بیرون همیزی های

سیاست ایران نهاده کنند و میگردند

زاوین بندیت میشوند

را داشت ایانه کشاورزان نهاده کنند

مالکی » بیرون همیزی های در دوره دیگران از

و اخلاقی میگردند

تیازراز از نهاده کشاورزان را از خود داشت

هم خوانجن چندی تزیاره سیلات نسبت

برزگون تجید نهاده کشاورزان ای ای ای

زیارتی وضع د امری ای ای ای

کارگشی و میگردند

آزاده کشاورزان خود را از خود میگردند

